

جنبش ترکمن صحرا

در راه تداوم مبارزه ملی

(بمناسبت 24- مین سال تشکیل کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن)

26 بهمن سال 1381، درست 24 سال از تشکیل کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و برآمد و گسترش جنبش شورایی ترکمن صحرا میگذرد. جنبشی که نه تنها در گستره ایران سرآمد و تجربه یکی از بارزترین ترین حرکت‌های توده‌ای در تاریخ چندین ساله گذشته کشور بشمار می‌آید، بلکه آن بمثابة یکی از برجسته‌ترین رخداد تاریخی قرن بیستم در تاریخ مبارزاتی خلق ترکمن نیز ثبت گردید. جنبشی که گرچه یک ربع قرن پیش رخ داد، اما پیامد و درسها و تجارب نهفته در آن هنوز هم از موضوعات توجه بسیاری از نیروهای سیاسی میهن ماست.

جنبش ملی-دمکراتیک خلق ترکمن تنها نگرشی گذرا بر سیر یک تاریخ ملیتی نیست که آغاز شده و پایان گرفته باشد، آن تجربه زندگی و واقعیتی است که تداوم داشته و هیچ نیرویی قادر به مهار و بازداشتن آن از دستیازی به اهدافش نیست. در واقع، جنبش ترکمن صحرا شکوه و عظمتی به ژرفای ترکمن صحرا و به گستردگی تمام کشور بوده و است. آن تئوریهای بسیاری از احزاب را در میدان آزمونش به حقارت کشاند، تجاربش از محدوده ترکمن صحرا فراتر رفته و تئوری مسئله ملی را در ایران غنا بخشید. جنبش خلق ترکمن حقانیت خود را از روندهای گذشته و پیش از وقوع خود گرفته و نه از قدرت افتادگان و نه به قدرت رسیدگان قادر نیستند آنرا صرفاً به ابزار بازیابی مجدد قدرت خویش بدل سازند.

اما جنبش ترکمن صحرا بر خلاف همه تعابیر و مضامینی که سران جمهوری اسلامی تلاش می‌ورزند امروز برای آن قایل گردند، هیچگاه خصلتی مذهبی و با هدف تحقق و جاری ساختن احکام اسلامی و یا برپایی یک حکومت تئوکراتیک-مذهبی نداشته و همانگونه که از شعارهای او ان انقلاب تحت «**الدين كيدن يرلري قايتارپ الماق گه ره ك**» و «**اوقو گه ره ك حاط گه ره ك، توركمنچه مکتب گه ره ك**» و «**يا آلا رس يا اولرس، آخر خود مختار بولرس**» بر می‌آید، مضمونی کاملاً غیر مذهبی داشته و حاکم گردانیدن سیستمی عادلانه و مردمی در منطقه که نماد مشخص آن در شکل اداره امور منطقه بدست خود مردم و حل معضلات اقتصادی-اجتماعی و بویژه مسئله ارضی بازتاب داشت، محور مطالبات و انگیزه شرکت مردم ترکمن در انقلاب و سرنوشتی رژیم فاسد و استبدادی پهلوی بوده است.

جنبش ترکمن صحرا محصول یک روند طولانی است که بطور برجسته با سرکوبی جنبش استقلال طلبانه ترکمنها برهبری عثمان آخون توسط رضا خان آغاز گردید. در آن ایام رژیم شوونیستی رضاخان در راستای اجرا و تداوم سیاستهای استعماری انگلیسی و در چارچوب تحکیم سلطنت استبداد خودکامه و تأمین منافع بیگانگان، جنبش آزادیخواهی و ضد استبدادی و استقلال طلبانه خلق ترکمن را که آن سرآغاز سرکوبی تمامی نیروهای دمکرات و ضد استعمار بشمار می‌آید بوحشیانه‌ترین وجهی تار و مار نمود. ایجاد شرایط نسبتاً دمکراتیک در کشور تا قبل از کودتای 28 مرداد 1332، نسل دیگری از ترکمنها را وارد عرصه مبارزات سیاسی نمود. هر چند پیرامون فعالیتها و اقدامات این نسل و همینطور تجربیات آنان اطلاعات بسیار اندک مکتوبی موجود می‌باشد، اما با همه اینها این نسل نیز در حد خود تأثیرات معتابیهی بر بیداری و آگاهی ملی ترکمنها بر جای گذاشت. سرکوبی فعالیتهای نیروهای آزادیخواه و دمکرات کشور هر چند بطور مقطعی بر تداوم مبارزات مردم تأثیر نهاد، ولی آن نتوانست هیچگاه مانع از شکل گیری و رشد ایده‌های ضد استبدادی و مشخصاً اعتلای روحیه ملی-دمکراتیک توده‌ها گردد. بطوریکه روشنفکران ترکمن دهه‌های 40-50 که اینک تجربه سرکوب پس از 28 مرداد را پشت سر داشتند، در اشکال نوینی متناسب با مقتضیات زمان فعالیتهای خود را پی گرفته و در طی چند سال از فعالیت خود تا زمان دستگیری شان توسط ساواک، در شناساندن و غنای فرهنگ و آثار ملی ترکمنها و بویژه تعمیق شعور ملی آنان نقش قابل ملاحظه‌ای را ایفا نمودند.

وقوع انقلاب بهمن که زمینه‌های ایجاد فعالیتهای دمکراتیک را در سراسر کشور مهیا نمود، در منطقه ترکمن صحرا موجب شکل گیری نهادی ملی-دمکراتیک بنام کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن گردید که آن

بیش از همه نه حاصل تلاش چند تن از روشنفکران ترکمن، بلکه محصول متمرکز مبارزه چندین نسل ترکمن و در واقع شکل تکاملی و جمع بندی شده و اوج گرفته مبارزات چندین دهه ملیت ترکمن بود. اینک با گذشت 24 سال از سرنگونی رژیم شاهنشاهی هیچ حکمی از احکام دمکراسی و قواعد دگراندیشی، این اجازه را به مردم ایران و کلیه آزادیخواهان و بویژه مردم ترکمن نمی دهد که استقرار دوباره نظام پادشاهی را به نظر خواهی بگذارند. زیرا که رژیم شاهنشاهی در طول بیش از نیم قرن حاکمیت استبدادی خود که در واقع خونین ترین دوران حیات ترکمنها بشمار می آید، با تبلیغات شبانه روزی خود از طریق جیره خواران خود فروش و شوونیست آنچنان تصاویر تحریف شده و غیر انسانی را از ترکمنها در اذهان عمومی ارایه داد که اثرات مخرب آن علیرغم روشنگریهای بسیار پس از انقلاب تا به امروز موجود می باشند. بهمین جهت، شرکت توده های عظیم مردم ترکمن در انقلاب قبل از اینکه متوجه روی کار آوردن رژیم فقهاتی جمهوری اسلامی باشد بیشتر در جهت ستاندن دوباره آن ارزشهای حقوقی، سیاسی، اجتماعی و در یک کلام احیای دوباره هویت و غرور و حیثیت ملی بود که آنان را بزور سرکوب و سرنیزه از او گرفته بودند.

اینگونه بود که در بهمن 1357 خارج از انتظار همه، جنبشی در گوشه ای از کشور تحت رهبری دو ارگان خود جوش و مردمی یعنی کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراهای صورت گرفت که نمونه شاخصی از برآمد یک جنبش توده ای و حق طلبانه را در سراسر کشور بنمایش گذارد.

جنبش ترکمن صحرا، محصول همراهی مردم ترکمن با همه مردم ایران علیه رژیم دیکتاتوری شاه و در واقع فریاد و ندای حق طلبانه مردم ستمدیده ای بود علیه یکه تازیهای خاندان فاسد پهلوی و قشر اجتماعی غارتگر و فربه شده از قبل اقتدار سلطنت آریامهر که مردم را برای پایان دادن به وضع حاکم به انقلاب کشاند. این سلطان دیکتاتور و اعمال اعوان و انصار زورگویی وی بود که فریاد عظیم خلق ترکمن را در شکل یک «نه» بزرگ هم به رژیم شاهنشاهی و هم بعد از آن به رژیم فقهاتی جمهوری اسلامی در پی آورد. در واقع، جنبش ترکمن صحرا با همه تناقضات خود نه گسستی در تجربه بشریت که حلقه ای از روند پریپیچ و خم گذار از استبداد و دیکتاتوری به آزادی و دمکراسی بود.

شکوه مندی جنبش ترکمن صحرا در آن بود که وسیع ترین اقشار مردم را به عرصه سیاست کشانده و به آن نمایی همگانی داد. پس از چندین دهه، مردم ترکمن حیثیت و شرف و غرور و هویت ملی سرکوب شده خود را دوباره بازیافتند، هزاران تن از جوانان ترکمن با مفهوم سیاست آشنا شدند، برای نخستین بار در تاریخ خلق ترکمن، زنان ترکمن بطور وسیعی دوشادوش مردان به میدان رزم و فعالیت های اجتماعی پا گذاشتند، و بالاخره روحیه وفاق ملی به آنچنان حدی از رشد خود رسید که تاریخ ترکمنها نمونه آن را کمتر بیاد دارد.

فرهنگ سیاسی بالنده امروز در ترکمن صحرا همه آنان را در وجه عمده خود مدیون انقلاب بهمن و در وجه مشخص آن، کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و آن جوانان مبارز ترکمنی است که در راه آرمانهای ملی خلق ترکمن به شهادت رسیدند. این واقعیت در تاریخ مبارزاتی خلق ما برای همیشه ثبت گردیده است و همه تلاش مغرضان و کوته بینان نیز قادر به نفی و محو آن از اذهان مردم ترکمن نخواهد بود. از این رو، امروز این وظیفه تک تک نیروهای مبارز ترکمن در هر گوشه جهان است که از حقانیت و دستاوردهای مبارزات گذشته خلق خویش و آرمانهای انسانی فرزندان شهید خود با هدف خنثی سازی تبلیغات مغرضانه رژیم جمهوری اسلامی بر علیه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراها بپا خاسته و در راه تحقق مطالبات و حقوق ملی خلق خویش گام بردارند.

اما جنبش ترکمن صحرا نیز همانند هر جنبش توده ای دیگر علیرغم خدمات ارزنده خود، با لغزشها و خطاهایی همراه بوده است که اخذ تجارب مقتضی از آن قطعاً در تدقیق حرکت های آتی در ترکمن صحرا می تواند نقش تعیین کننده ای داشته باشد.

تجربه یکسال فعالیت علنی چشمگیر کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن بویژه در عرصه ملی و فرهنگی قبل از همه نشان داد که کم بها دادن به عنصر ملی در سطح جنبشی چون ترکمن صحرا با مختصات ویژه خود می تواند چه تأثیرات بازدارنده ای را در تعمیق و تداوم اینگونه جنبشها داشته باشد. از سوی دیگر آشکار گردید که اساساً ایجاد صرف یک ارگان محلی - منطقه ای در شکل یک سازمان یا حزب تا مادامی که آن از استقلال فکری و نظری برخوردار نبوده و دارای یک برنامه و چشم انداز مشخص و روشن و متناسب با نیازها و توان منطقه و توده مردم نباشد، به تنهایی و خودی خود راهگشا نیست. به بیانی دیگر، در ایجاد هر نوع تشکلی باید قبل از همه این مسئله روشن گردد که این تشکل اولاً تا چه حد ضرورت داشته و برای پاسخ

به چه اهدافی ایجاد میگردد، ثانیاً آن به چه میزان از نیازها و مطالبات و روانشناسی توده مردم محیط خویش مطلع می باشد، ثالثاً از چه مضامین برنامه ای برخوردار است و بالاخره در راه تحقق استراتژی کوتاه مدت و دراز مدت خود از چه تاکتیکهایی بهره میگیرد. از این رو، در هنگام سخن گفتن از تجربه گذشته، منظور الزاماً و عمدتاً به معنای نقد صرف سیاستهای دیگر احزاب و سازمانهای موجود در منطقه و جستجوی راهیافتهایی برای مبری کردن خود نیست، بلکه جمع بندی خطاهای گذشته باید که قبل از همه متوجه عملکرد خود در چارچوب سیاستهای این یا آن سازمان و حزب و یافتن علل و زمینه های شکل گیری خطاها بمنابۀ چراغ راهنمای فعالیتهای امروز و فردا باشد.

بهر حال، جنبش ترکمنصحر با همه تناقضات و فراز و نشیبهای خود، راه فردای مردم ترکمن و نسلهای آتی را گشود. مبارزه مردم ترکمن در راه کسب حقوق ملی و سیاسی خود با هیچ تفسیر و تغییری تنها بر بستر مخالفت با سیاستهای استبدادی و شوونیستی و استقرار حکومتی مردم سالار و دمکراتیک و بر بستر روندهای منتج از جنبش گذشته ترکمنصحر جریان داشته و خواهد داشت. مضامین اصلی اهداف جنبش خلق ترکمن درست 24 سال پیش از سوی کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در قالب طرحهای 8 و 12 ماده ای ارایه گردیدند که این خواسته ها همچنان در وجه کلی آن از مبرمیت و اعتبار خود برخوردار می باشند. هر چند شکل تداوم مبارزه ملی در ترکمنصحر امروز صورتی دیگر یافته است، ولی مضمون آن خواسته های تحقق نیافته و مبارزه در راه کسب آنان موردی نیست که تغییر نسل و یا زمان بتواند تغییری در حقانیت آنان بوجود آورد.

در آستانه 24- مین سال تشکیل کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن ضمن گرامیداشت خاطره همه آن دوستان و عزیزانی که جان خود را فدای مصالح خلق خود نمودند، بر ماست که ارزشمندی جنبش تاریخی مردم ترکمن را پاس داشته و در راه به ثمر رساندن ارزشهای آن با فشرده تر نمودن اتحاد و یگانگی خود مبارزه ملی – دمکراتیک خلق خویش را تداوم بخشیم.

احمد مرادی

Email: a-moradi@foni.net